

عواقب کودتای ترکیه: تاب خوردن میان نئوفاشیسم و بناپار티سم

جهان توغال

مترجم: ارسلان ریحانزاده

پیش‌بینی‌ها درباره‌ی پیامدهای کودتای نافرجام ترکیه بر این امر تمرکز دارند که این رویداد چگونه میل اردوغان به قسمی ریاست‌جمهوری مقتدرانه را ارضا می‌کند. لیکن خطرات پیش‌رو بسیار بزرگ‌تر از ارضای میل اردوغان است.

اکنون پس از درهم‌شکسته‌شدن کودتای جمعه – که با افزایش حدوداً ۳۰۰ نفری تلفات مرگ همراه بود – دولت ترکیه بزرگ‌ترین عملیات تصفیه‌ی خود تا این لحظه را آغاز کرده است: پاک‌سازی نیروهای نظامی و بوروکراسی غیرنظامی از هزاران مخالف. وضعیت ترکیه وضعیتی پر از طنز و کنایه است. گولنیست‌ها^۱ (که به‌زعم برخی، رهبران جهانی قسمی اسلام مدرنیستی و مداراطلب اند) از سوی رئیس‌جمهور رجب طیب اردوغان متهم شده‌اند به طراحی کودتای اساسی علیه رژیم که زمانی به‌عنوان نمونه‌ی دموکراسی اسلامی ستایش می‌شد. اما مهم‌تر از همه، بسیار محتمل است که این اقدام ضددموکراتیک علیه یک رژیم ضددموکراتیک به بدترین مسیر ممکن کشیده شود. حال مدتی بود که رژیم ترکیه با شرم‌رویی در حال انجام آزمایش بسیج کردن توده‌های مردمی علیه دشمنان خود بوده است. اکنون این رژیم می‌تواند شرم‌رویی را کنار بگذارد.

یک کودتای چلاق

در لحظه‌ی کنونی به‌دست آوردن تمامی داده‌ها یا حقایق مرتبط با این کودتا غیرممکن است، اما اردوغان حامیان گولن در نیروهای نظامی را متهم کرده به اینکه آنان با پشتگرمی به حمایت دیگر سربازان و غیرنظامیان، آغازگر کودتا بوده‌اند. با این وجود، حتی برخی از پرسنل نظامی که

مشهورند به اینکه گرایش‌های کودتاطالبانه دارند، همچنین سه حزب اپوزیسیون در پارلمان، ظرف چند ساعت این اقدام را محکوم کردند. و به نظر می‌رسد شمار سربازان کمالیستی که از پیوستن به کودتا امتناع کردند در نسبت با کسانی که در هیأت یک نیروی حاشیه‌ای بزرگ در آن مشارکت داشتند، دست بالا را دارد. برخی از سربازان به محض آنکه متوجه شدند که در چه موقعیت تک‌افتاده‌ای قرار گرفتند شروع کردند به تسلیم شدن. برخی دیگر، در ناامیدی مطلق، مرتکب اعمال فجیعی، از جمله بمباران پارلمان، شدند که هیچ خونتای^۲ (نافرجام یا موفق) دیگری در ترکیه هرگز درصدد انجام آن‌ها نبوده است.

به نظر می‌رسد شکنندگی و جنون تقریبی بلوک کودتا ناشی از وحشت بوده است: احمد سیک، کارشناس خبره‌ی گولن و محقق روزنامه‌نگار، استدلال می‌کند که دولت ترکیه عملیات بزرگی را برای ۱۶ ژوئیه برنامه‌ریزی کرده بود که براساس آن قرار بود صدها نفر از حامیان گولن در نیروهای نظامی دستگیر شوند. آیا گولنیست‌ها خیلی دیر از نقشه‌ی دولت باخبر شدند و از این‌روی فرصت و توان ایجاد اتحادی بزرگ با دیگر مخالفان و طراحی یک کودتای حساب‌شده‌تر را نداشتند؟

باین‌همه، کودتا به طرز بسیار بدی اجرایی شد و در جلب حمایت مردمی یا نخبگان بسیار ناکام بود تا آن حد که نمی‌توان شکل‌های گوناگون نظریه‌ی توطئه را به‌تمامی کنار گذاشت (بسیاری از هواداران نظامیان کمالیست بر این باورند که خود دولت کودتا را سازماندهی کرد تا برای سرکوب گسترده بهانه‌ای داشته باشد). در حال حاضر چنین جزئیاتی درباره‌ی سازوکار کودتا هیچ‌چیزی نمی‌توانند باشند مگر گمانه‌زنی، به‌ویژه بدین‌خاطر که همه‌ی طرف‌های درگیر به‌شدت به اتهام‌زنی روی آورده‌اند. لیکن محتمل‌ترین نتایج این کودتای نافرجام چیستند؟

اکنون رؤیای اصلاحات اسلامی برپا رفته است

از دید کسانی که اجتماع گولن را از نزدیک دنبال کرده‌اند و تسلیم هوچیگری جهانی درباره‌ی صلاحیت دموکراتیک این اجتماع نشدند، پیوند میان گولنیست‌ها و کودتای نافرجام امر شگفت‌آوری نیست. بنیان‌گذار این جنبش، فتح‌الله گولن واعظ، باتمام‌وجود حامی خونین‌ترین خونتای در تاریخ ترکیه (سپتامبر ۱۹۸۳-۱۹۸۰)^۳ بود و همچنین از دولت غیرنظامی‌ای که خود با مداخله‌ی نظامی دیگری تشکیل شد (فوریه‌ی ۱۹۹۷) استقبال کرد. دلایل بیشتری برای ظنن بودن به گولن وجود دارد: باور بر این است که پیروان او به‌طور نظام‌مند اما مخفیانه در نهادهای رسمی اصلی نفوذ کرده‌اند. افزون بر این، پس از آنکه اردوغان تا آنجایی که توانست نیروهای نظامی را از سربازان کمالیست پاک‌سازی کرد، رژیم ترکیه هواداران گولن را در نهادهای نظامی بکار گرفت و در نتیجه در جهت منافع او بازی کرد.

دانشگاهیان، روزنامه‌نگاران، دیپلمات‌ها، و سیاست‌مداران دولت‌گرایی گولن را برای دهه‌ها نادیده گرفتند و در عوض به این انتخاب دست زدند که او را به‌عنوان غیرنظامی‌ترین چهره‌ی اسلام در ترکیه به بازار عرضه کنند. دیگران حتی پا را فراتر نهادند و او را به‌عنوان بزرگ‌ترین اصلاح‌طلب در تاریخ اسلام معرفی کردند: نمونه‌ی مسلمان مارتین لوتر^۴.

پیش از این، پس از آنکه گولن به طرز کاملاً ناخوشایندی از رژیم ترکیه انشعاب کرد^۵، باور به این قهرمان [اصلاح‌طلب] سخت‌تر شده بود؛ هواداران دوشادوش او چهره‌ی واقعی خود را نه به‌عنوان دموکرات‌های اصولگرا بلکه به‌عنوان کسانی که در طمع قدرت اند آشکار ساختند. حتی

اگر گولن مستقیماً در اقدام کودتای ۲۰۱۶ دخیل نباشد، تصویر او اکنون بسیار لکه‌دار شده است تا آن حد که دیگر کسی او را به‌طور جدی مارتین لوتر نخواهد نامید. رؤیای اصلاحات اسلامی، یکبار دیگر، نقش بر آب شد.

پیش به سوی نئوفاشیسم

رژیم ترکیه در طول چندسال گذشته به‌طرز خطرناکی میان یک نمونه‌ی افراطی بناپارتیسم دست‌راستی و آنچه اخیراً در یادداشتی^۶ نئوفاشیسم نامیدم در نوسان بوده است. بناپارتیسم قسمی دیکتاتوری از-بالا-به-پایین است که تنها هرازگاهی در هیأت کنش توده‌ای استقرار می‌یابد. توده‌های بناپارتیست از سازماندهی به دور اند و ایدئولوژی منسجمی ندارند. در مقابل، وابستگی رژیم‌های فاشیستی به توده‌ها سازمان‌یافته‌تر است. توده‌های رژیم‌های فاشیستی سازماندهی شده هستند و به‌لحاظ ایدئولوژیکی در هماهنگی بیشتری با رژیم اند.

رژیم ترکیه در مقایسه با رژیم‌های کلاسیک فاشیستی، ایتالیا و آلمان بین دو جنگ جهانی، رابطه‌ی بسیار دشوارتری با بنیادهای مدنی (اسلام‌گرایی) خود داشت (دولت اردوغان در سال‌های آغازین خود علناً اسلام‌گرایی را کنار گذاشت). باین‌وجود رژیم جدید به‌تدریج توده‌ها و حلقه‌های مدنی‌ای که قبلاً به حال خود رها کرده بود را دوباره یکپارچه ساخت و مجدداً بسیج کرد.

در چندماه گذشته، رژیم ترکیه بار دیگر در جهت بناپارتیسم تغییر مسیر داده بود، یعنی در جهت تأکیدزدایی از بسیج توده‌ها. این بناپارتیسم همچنین عناصری از سومین شکل تحکیم‌یافته‌ی اقتدارگرایی مدرن (دیکتاتوری نظامی) را در خود ادغام کرده بود: اردوغان، به‌ویژه پس از پیروزی حزب دموکراتیک خلق (HDP)، حزب حامی کردها، در انتخابات ژوئن ۲۰۱۵، استفاده از نیروی نظامی علیه مخالفان را سرسختانه آغاز کرد. اما اکنون، با توجه به شمار طرفداران رژیم در خیابان‌ها (و سربازانی که بار دیگر دشمن مردم را شناسایی کردند)، بازیگران فاشیست درون رژیم از این فرصت برخوردارند تا بسیج توده‌ای را تداوم و تقویت ببخشند و کشور را در مسیر تمامیت‌خواهانه‌تری به پیش ببرند. آنان تا به حال چنین فرصت‌هایی را از دست نداده اند.

پس از آنکه اردوغان مردم را دعوت کرد که به خیابان‌ها هجوم آورند و تا زمان کوتاه آمدن شورشیان نظامی با آنان مقابله کنند، مساجد سراسر کشور نیز مصرانه از شهروندان خواستند که کودتا را خنثی سازند. در مراکز و محلات قدیمی شهر، و همین‌طور در شهرستان‌ها مردم از تانک‌ها بالا رفتند و به پرچم‌های ترکیه چنگ زدند. احتمال آن است که عکس‌ها و ویدئوهایی که این صحنه‌ها را ثبت کردند به‌اندازه‌ی تصاویر دانشجویان چینی‌ای که در میدان تیان‌آن‌من تانک‌ها را متوقف کرده بودند به شمایل‌های تصویری بدل شوند.

اما این توده‌ها زیادی دست به عمل زده اند، بسیار زیاد. آنان در شهرهای مختلف به [دفاتر] حزب HDP که حامی کردهاست (حزبی که هیچ ربطی به اقدام کودتا ندارد) حمله کرده اند. آنان مصرف‌کنندگان الکل را مورد آزار و اذیت قرار داده اند. درگیرهای متعددی در محله‌ها و شهرهای علوی‌نشین (یک اقلیت مذهبی) درگرفته است. این سوبه‌ی تاریک آن چیزی است که از سوی برخی به‌عنوان دفاع دموکراتیک مردم از رژیم ستایش شده است.

از بعد از اعتراضات ضددولتی پارک گزی در ۲۰۱۳، این بسیج توده‌ای «ضدنظامی‌گری» جدید در ترکیه (به‌عنوان یک نیروی ضدشورش) در حال تقویت شدن بوده و اقلیت‌ها، مصرف‌کنندگان الکل، و همه‌ی نمونه‌های اپوزیسیون را هدف قرار داده است، درست به‌همان اندازه که نیروهای نظامی چنین کرده‌اند. در اکتبر ۲۰۱۵، نزدیک به یک‌صد فعال حامی کرد در آنکارا در بمب‌گذاری‌ای که به داعش نسبت داده شد قتل عام شدند. شاهدان به‌عینه دیدند که پلیس علیه بازماندگان حادثه گاز اشک‌آور پخش می‌کرد، و مانع از حرکت آمبولانس‌هایی شد که تلاش داشتند به مجروحان نزدیک شوند. آن تراژدی اکنون با عمل توده‌ای علیه درگذشتگان حادثه جفت‌وجور شد: در خلال جشن‌های ضدکودتای اخیر، توده‌های «حامی دموکراسی» بنای یادبود قربانیان آنکارا را تخریب کردند.^۷ هیچ پرسشی در این باب که همدلی/این توده‌ها کجاست، مطرح نمی‌شود.

بسیاری از پیش‌بینی‌های بدبینانه درباره‌ی عواقب کودتای نافرجام ترکیه بر این امر تمرکز کرده‌اند که این رویداد چگونه میل اردوغان به قسمی ریاست‌جمهوری مقتدرانه را ارضا می‌کند. لیکن خطرات پیش روی ترکیه بسیار بزرگ‌تر از ارضای میل اردوغان است.

یادداشت‌ها:

* جهان توغال، نویسنده و جامعه‌شناس ترکیه‌ای است که در دانشگاه برکلی تدریس می‌کند. تازه‌ترین اثر او کتابی است با عنوان «سقوط مدل ترکیه‌ای: چگونه قیام‌های عربی لیبرالیسم اسلامی را سرنگون کرد» که ژانویه‌ی امسال از سوی انتشارت ورسو منتشر شده است. همان‌طور که از عنوان کتاب پیداست این اثر بررسی جامع و دقیقی از ناکارآمدی و زوال گفتار اسلام لیبرالیستی براساس مدل حزب AKP ترکیه است؛ گفتاری که هنوز هم قند را در دل اصلاح‌طلبان وطنی آب می‌کند. نوشته‌های توغال، به‌رغم حساسیت‌هایی که باید به تفاوت‌های موجود میان فضای سیاسی ترکیه و ایران نشان داد، نه‌تنها می‌توانند به‌منظور نقد گفتار اصلاح‌طلبی ایرانی الگویی مناسب ارائه دهند، بلکه می‌توانند در مقام پیشنهادات هشدارآمیزی باشند برای کسانی که هنوز از رتوریک اصلاح‌طلبان وطنی دل نکنده‌اند.

۱. گولنیست‌ها، عنوانی است برای حامیان و مریدان محمد فتح‌الله گولن و واعظ و مبلغ دینی ترکیه‌ای که زمانی از او به‌عنوان پدرخوانده‌ی حزب عدالت و توسعه نام برده می‌شد و اکنون در تبعیدی خودخواسته در آمریکا به‌سر می‌برد.

۲. خونتتا (junta) واژه‌ای اسپانیایی و به‌معنای شورای حکومتی است. خونتتا در پاره‌ای موارد به شورایی از نظامیان اطلاق می‌شود که به‌دنبال کودتا، قدرت را قبضه کرده‌اند. این واژه گاهی به‌جای «دیکتاتوری نظامی» به‌کار می‌رود، هرچند با آن یکی نیست.

۳. کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰، به سرکردگی تیمسار کنعان اورن و برخی از ژنرال‌های ارتش، بازداشت و زندانی شدن حدود ۶۰۰ هزار نفر، اعدام ۵۰ نفر در ملاء عام، و همچنین انحلال پارلمان را در پی داشت. در طول حاکمیت نظامی برآمده از این کودتا فعالیت تمامی احزاب سیاسی ممنوع اعلام شد و چپ‌گرایان ترکیه به‌شدت تحت فشار قرار گرفتند.

۴. <https://www.foreignaffairs.com/articles/turkey/2014-02-20/muslim-martin-luther>

<http://www.jadaliyya.com/pages/index/15693/towards-the-end-of-a-dream-the-erdogan-gulen-fallo> .٥

<https://www.opendemocracy.net/cihan-tugal/turkey-hard-totalitarianism-erdogan-authoritarian> .٦

[/http://sendika10.org/2016/07/iste-demokrasi-bayrami-10-ekim-baris-emek-ve-demokrasi-anitina-saldiri](http://sendika10.org/2016/07/iste-demokrasi-bayrami-10-ekim-baris-emek-ve-demokrasi-anitina-saldiri) .٧

لينك مطلب:

<https://www.opendemocracy.net/cihan-tugal/turkey-coup-aftermath-between-neo-fascism-and-bonapartism>

